

ساخت و اعتبار یابی مقیاس هویت محله‌ای

دکتر فریدون وحید^۱، سمیه نگینی^۲

چکیده

هدف از مقاله حاضر ساخت فرم "مقیاس هویت محله‌ای" به وسیله تحلیل عوامل و سنجش اعتبار و پایایی آن است. برجسته‌ترین اهمیت این پژوهش به زعم محقق، طرح مفهوم، «هویت محلاتی» در حیطه علوم اجتماعی است که می‌تواند به مثابه الگویی برای حل معضلات و مشکلات هویتی در بافت محلات که آسیب‌ها و مشکلات انسانی و اجتماعی جدی به دنبال داشته است مطرح شود. بررسی و شناخت عوامل مداخله‌گر تاثیر گذار بر احساس هویت‌مندی می‌تواند در جهت حل معضل بحران هویت در شهرها و محلات امروز کار ساز باشد. انسان ساکن در محلات کلانشهرهای امروز با فضای محله خود مأنوس نیست و در تصویر ذهنی وی محله بخشی از شهر محسوب می‌شود. محله ویژگی‌های سنتی خود را از دست داده و همواره احساس بی‌ریشگی و سرگردانی را بر انسان ساکن در آن القا می‌کند، تلاش اصلی در این پژوهش شناسایی دقیق و علمی عوامل هویت بخش به محلات در کلانشهرهای بزرگ امروزی است امید است تا این پژوهش ما را در رسیدن به این هدف مهم یاری رساند. روش به کار رفته در این پژوهش پیمایشی بوده و داده‌های مورد نیاز با استفاده از ابزار پرسشنامه در میان ۲۶۰ نفر از ساکنان ۲۰ سال به بالا در محله مرداوین و عباس‌آباد در شهر اصفهان به صورت مقایسه اجرا شده است. روش نمونه‌گیری در این پژوهش، تصادفی منظم است. برای بررسی قابل قبول بودن مقیاس تدوین شده و سنجش متغیرهای پنهان از مدل‌های عاملی و شاخص برازش آنها استفاده شد. مقدار آلفای کرونباخ برای متغیر احساس امنیت ۰/۷۹، حس تعلق به مکان ۰/۸۰، و تعاملات اجتماعی ۰/۷۶ است. تحلیل مولفه‌های اصلی نشان داد که پرسش

fVahida@yahoo.com

۱- استاد گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسؤل)

somayenegini@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و مدرس دانشگاه پیام نور اصفهان

نامه هویت محله‌ای از سه عامل حس تعلق به مکان، احساس امنیت و تعاملات اجتماعی تشکیل شده است. بر اساس نتایج گزارش شده از مدل، مقیاس هویت محله‌ای، مقیاس قابل قبولی برای اندازه‌گیری و سنجش است.

واژه‌های کلیدی: احساس امنیت، حس تعلق به مکان، تعاملات اجتماعی، هویت محله‌ای

بیان مساله

از گذشته‌های دور محلات مسکونی در شهرها، به عنوان سلول‌های حیات شهری دارای نقش اساسی در زندگی ساکنان آنها بوده‌اند. با توجه به اینکه در گذشته محلات شهری، مکانی برای گرد آمدن افراد با ویژگی‌های قومی - نژادی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی و ... مشترک بوده است به دنبال تجمع بیشتر افراد با ویژگی‌های مشترک در یک محدوده، آن بخش از شهر دارای هویت خاص و شناخته شده‌ای می‌بود که سبب تمایز آن از دیگر بافت‌های اطراف می‌گردید. همین عامل در آن محدوده سبب ایجاد فضاهایی با کارکرد و عملکردهای خاص شده که بافت آن را نیز از محدوده‌های اطراف متمایز می‌گرداند. وجود یک شیوه زندگی خاص در میان افراد ساکن در یک محله معمولاً به ایجاد اهداف و علائق مشترک در میان ساکنان یک محله می‌انجامد. در چند دهه اخیر، با تغییرات شگرف در شیوه زندگی در ساختار محلات نیز تغییرات اساسی ایجاد گردیده است. امروزه شاهد بوجود آمدن محله‌هایی هستیم که غیر از تفاوت در اسمشان هیچ ویژگی متمایز دیگری نسبت به هم ندارند. این سیر نادرست و حرکت‌های معیوب آنچنان وضعی را بوجود آورده که در بافت‌های جدید شهری، ویژگی سنتی محله از بین رفته و ارزش‌هایی همچون روابط همسایگی، آرامش و ... همگی رنگ باخته و حتی در بعضی از موارد اسم‌های جدید مانند فاز، بلوک و ... جای اسم محله را به خود گرفته است. نتایج حاصله از پژوهشی که توسط هودسنی (۱۳۸۴) انجام گرفته است نیز بیانگر آنست که گسست موجود در ساختار فضایی محلات امروز و از بین رفتن هویت کالبدی محدوده سبب از بین رفتن ساختار اجتماعی پیوسته میان ساکنان و کاهش ارتباطات و تعاملات میان مردم گردیده است. همچنین وی نشان داده است که ایجاد شبکه‌های اجتماعی قوی در قالب گروه‌ها و اجتماعات محلی

موجب زمینه و بستر لازم برای برقراری ارتباط میان ساکنان در محلات شهری می‌گردد. بنابراین، اهمیت بحث هویت مکان از آنجا ناشی می‌شود که انسان با عدم ادراک خود و رابطه‌اش با جهان پیرامون دچار هراس می‌شود، تعلق خاطر در این میان ملجا و پناهگاهی است تا انسان را از تعلیق رهایی بخشد. انسان نیاز دارد، هر چه بیشتر فضای زندگی خود را مخاطب قرار دهد و با آن در تعاملی سهل قرار گیرد (پاکزاد، ۱۳۸۵: ۱۴۷). بنابر نظر زیمل، روند تاریخ جدید، آزادی فزاینده فرد را از بندهای وابستگی شدید اجتماعی و شخصی نشان می‌دهد ضمن آنکه فرآورده‌های فرهنگی ساخته انسان، بیش از پیش بر انسان چیرگی می‌یابند. او استدلال می‌کند که در جوامع پیشین انسان نوعاً در یک رشته محدودی از حلقه‌های اجتماعی به نسبت کوچک زندگی می‌کرد. چنین حلقه‌هایی از گروه‌های خویشاوندی و اصناف گرفته تا شهر و دهکده، راههای گریز فرد را می‌بستند و او را به شدت در قبضه خودشان می‌گرفتند، کل شخصیت فرد در این زندگی گروهی تحلیل رفته بود. اما اصل سازمانی در جهان نوین با اصل سازمانی جوامع پیشین تفاوت بنیادی دارد. یک فرد، عضو بسیاری از حلقه‌های به خوبی مشخص است، اما هیچ یک از این حلقه‌ها تمام شخصیت او را در بر نمی‌گیرد و بر او نظارت تام ندارد (یوسفی به نقل از کوزر، ۱۳۸۳: ۳۸). بنابراین به نظر می‌رسد انسانی که در جامعه نوین می‌زید دارای هویت‌های چندگانه است و به خوبی باید شناخته شود. بنابراین برای بازیابی هویت محله‌ای در کلانشهرهای امروز نیاز به اجرای فرایندی است که تحقق آن در درازمدت متصور است و مستلزم همکاری و تشریک مساعی گروه‌های مختلف علمی - حرفه‌ای در ابعاد مختلف شناخت شناسی انسان است امکان هویت بخشی به محلات از مقوله‌های مهم در مباحث امروزی علوم اجتماعی است. اما به نظر می‌رسد مساله اصلی در طراحی فضاهای امروزی خلا شناختی جامعه شناسانه و روانشناسانه از نیازهای پیچیده فردی و اجتماعی انسان امروز نسبت محل سکونتش است. طراحان و برنامه ریزان شهری جهت ارایه فضاهایی پاسخده نیاز به شناخت دقیق از ابعاد اجتماعی زندگی انسان شهر نشین امروز در مراحل مختلف رشد دارند، که خلا این پژوهش‌ها در مطالعات جامعه شناسانه به منظور هویت

بخشی به کلانشهرهای امروزی به خوبی مشهود است. اینکه شاخص‌های اصلی هویت ساز یک بافت محلاتی موفق کدام است؟ سوال اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهد. برای پاسخ به این سوال ابزاری لازم است تا بتوان سنجش اولیه را انجام نمود، بنابراین به منظور ایجاد زمینه‌ای جهت مطالعه بیشتر هویت محله‌ای در کلانشهرهای بزرگ امروزی، مقیاس هویت محله‌ای تنظیم گردید. لازم به ذکر است مقیاسی در این زمینه در میان تحقیقات داخلی یافت نشد. هدف مقاله حاضر ساختن ابزاری است جهت سنجش و اندازه‌گیری متغیر هویت محله‌ای در محلات امروزی است. در بخش‌های بعدی، پس از تعاریف مفاهیم و اصطلاحات اصلی به بیان نظریات اندیشمندان در ارتباط با هویت محله‌ای پرداخته شده است. سپس جدول مربوط به عملیاتی کردن متغیر هویت محله‌ای با ذکر ابعاد اصلی و فرعی این متغیر تنظیم گردیده است، سپس به شرح و توضیح روش شناسی تحقیق پرداخته شده است.

تعاریف مفاهیم و اصطلاحات

هویت

ساروخانی در دایره المعارف علوم اجتماعی ذیل واژه هویت اینچنین آورده است: کوشش فرد به منظور تحقق یکتایی خویشتن است در شرایطی که در حال شکل دادن به رفتار خویش است بدینسان به نظر گافمن فرد بین من در شرایط موجود و من واقعی قرارداد (ساروخانی، به نقل از گافمن، ۱۳۷۰، ۴۲۳).

افروغ (۱۳۸۰) هویت را مفهومی پارادوکسیکال تعریف می‌کند، او معتقد است همین مساله باعث می‌شود که ما می‌توانیم تعریفی جامع و مانع از هویت بدست دهیم او در زمینه پارادوکس‌هایی که در مفهوم هویت وجود دارد به سه پارادوکس اشاره می‌کند که به ترتیب زیر است:

۱ - هویت به طور همزمان حامل یک عنصر ایستا و یک عنصر پویاست.

از یک سو بیانگر استمرار و تداوم تاریخی است و از سوی دیگر به دلیل فرایندی بودن آن دائما در معرض باز تولید و باز تعریف است.

۲- وجود هویت‌های مضاعف همچون، هویت قومی، هویت دینی، هویت زبانی، هویت ملی، هویت جنسیتی و هویت مربوط به گروه‌های شغلی که یک فرد همزمان با خودبه دنبال دارد در دل این مفهوم.

۳- چون هویت بار دار احساس و ارزش است، با رفتار عقلانی تباین پیدا می‌کند، رفتار عقلانی نیز مستلزم بر آورد سودهزینه است، اما هویت در واقع بار دار حفظ سنت است.

محله

روبرت کون در دایره المعارف شهر خود محله را اینگونه توصیف نموده است:

۱- منطقه یا موقعیت ۲- منطقه‌ای در اطراف مکانی یا چیزی ۳- بخش قابل تفکیکی از یک منطقه شهری منطقه ای مرکب از کاربری‌های مختلف که به صورت ساختار شهری به حالت یکپارچه در آمده است. (Cown, 2005: 54). محله به عنوان سلول زندگی حیات شهری است، محله نهادی است که از طریق آن افراد و موضوعات می‌توانند توانایی برای فعالیت اولیه به وسیله یک تعامل موثر فردی و جمعی را درون آن و یا از ورای آن به اجرا در آورند. محله ممکن است با هر کدام از جنبه‌ها یا معیارهای زیر تعریف گردد:

مناسبات اداری: بوسیله مرزهای و محدوده‌ها

زیبایی شناسی: بوسیله ویژگی‌های بارز و قدمت توسعه

اجتماعی: از دید و نگاه ساکنان در منطقه

عملکردی: بوسیله محدوده خدماتی

زیست محیطی: بوسیله فضاهای با ترافیک آرام و روان و کیفیت بالای زیست محیطی

اینگلهارد^۱ محله را شامل، مدرسه ابتدایی، یک مرکز خرید کوچک و یک زمین بازی می داند. این تسهیلات نزدیک مرکز محله به گونه ای ساخته شده اند که مسافت پیاده روی بین آنها و خانه از نیم مایل تجاوز نمی کند. بخش های تشکیل دهنده این جامعه حالت یکپارچه دارند و همچنین جوامعی می توانند هر آنچه را که از نظر ارتباطات و کار نیاز دارند برآورده سازند (Neal, 2003: 282-285). یک محله می تواند، یک شبکه اجتماعی تعریف شود و ممکن است بتواند پایه و اساسی برای فعالیت های اجتماعی و یا حتی نظامی محسوب شود. در نتیجه محله یک هویت اجتماعی مکانی است، قلمرویی که دارای محدودیت های مشخص شناخته شده توسط ساکنان آن است. در چنین قلمرویی، تقابل رسمی و غیر رسمی و شناخت همسایگی رخ می دهد، کاربری روزانه خدمات محله توسط ساکنین و آگاهی آنان در مورد تصویر محله به عنوان بخشی از هویت اجتماعی شان نیز به وابستگی میان مکان و فضا اشاره دارد. محلات همچنین روی شرایط گوناگون اجتماعی، اقتصادی، تاریخی و بوم شناختی تاکید دارد، شواهد برای این نکته تاکید دارند که جامعه محلی به طور انتخابی، ویژگی های سازمانی موضوعات اجتماعی، و واکنش های اجتماعی را که در جامعه گسترده شده اند وجود می آورد (Louis, 1989: 316).

هویت محله ای

هویت محله ای را، احساس تعلق به یک محله مسکونی، تعریف می کنند. که از زمان اختراع ابزار مدرن حمل و نقل و ارتباطات جهانی، این حس تعلق به مکان و روابط همسایگی (جدا از روابط خانوادگی و خویشاوندی) که نزدیکترین و مناسب ترین راه تشکیل جامعه را فراهم آورده است اهمیت خود را کم کم از دست داده است. نقشی که محله در این عصر جدید بازی می کند تغییر کرده است و قضیه ای که یک مکان با هویت محله ای قوی و محکم باعث تضمین جامعه ای قوی شود مستلزم بازبینی است. در گذشته (محله) از طریق مکان های عمومی مرکزی مشخص می شدند که کانون تشکیل جلسات

سستی مثل بازار یا میدان شهر بودند، این اماکن، محل ملاقات دوستان و همسالان بودند، اما امروزه فن آوری ارتباطات در همه جا، چالش‌هایی را در جهت شناخت مطلوب، (مکان عمومی) بوجود آورده است. (هویت محله‌ای) و احساس تعلق، دیگر خیلی کمتر از آجرها و مصالح به کار رفته در ساختمان‌ها مشتق می‌شود. (9-8 : 2004 : Foth). پاکزاد، بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می‌سازد، مکانی می‌داند که خود را با آن می‌شناسد و به دیگران می‌شناساند. او معتقد است انسان هنگامیکه راجع به خود فکر می‌کند خود را متصل به مکانی می‌داند که در آن زیست می‌کند و آن مکان رابخشی از خود می‌شمارد میان فرد و زندگی‌اش رابطه‌ای عمیق وجود دارد که پاکزاد این رابطه با به خود همانی با فضا تعبیر می‌کند.

قاسمی، هویت را جز ویژگی‌های یک پدیده نمی‌داند، بلکه آنرا حاصل توافقی میان فرد و پدیده مورد ارزیابی تعریف می‌کند بر این مبنا، هویت مفهومی نسبی است که یک سرآن به انسان بر می‌گردد و سر دیگرش در محیط تعریف می‌شود (قاسمی، ۱۳۸۳ : ۶۹ - ۷۰)

او شرایط هویت‌مندی یک محله را به این ترتیب بر می‌شمرد:

۱- تعلق مکانی ساکنان محله به محیط زندگی شان ۲-خاطره‌ای که در ذهن ساکنان از محله بر جای مانده است ۳- خاطرات جمعی که در حافظه جمعی ساکنان از محله بر جای مانده است. او نسل بی‌خاطره را نسلی بی‌ریشه می‌داند ۴- حس تعلق خاطر افراد به محله خود شان.

در تعریفی دیگر، هویت مکان، بخشی از هویت شخصی تعریف می‌شود هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می‌یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است رابطه‌ی میان انسان و مکان دو طرفه است زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می‌سازد (walmsley, 1990:64)

چارچوب نظری

ماکس وبر (۱۹۲۰) به مساله ی بحران عقلانیت در شهرهای جدید غربی اشاره می‌کند. و خطر کاهش پیوندهای معنوی و سرانجام زوال هویت انسانی و بشری را آغاز تحول جدید در عرصه حیات بشری تلقی می‌نماید. وی تفوق یافتن عمل اجتماعی مبتنی بر عقلانیت معطوف به غایت را در مقابل عمل اجتماعی معطوف به ارزش یا عمل صرفاً عاطفی یا صرفاً سنتی را از جمله نشانه‌هایی می‌داند که برای درک شهر نشینی جدید یا تمدن سرمایه داری صنعتی موجود در شهرهای بزرگ امروز به کار گرفته می‌شوند. بنابراین رویکرد جامعه شناختی وبر نسبت به شهر نشینی بر محور اصلی عقلانیت یافتگی دیوانسالارانه قرار گرفته است (فکوهی، ۱۳۸۳ : ۱۷۴) بنابر نظر وبر به نظر می‌رسد نظریات او در باره عقلانی شدن جهان انسانی و گرایش انسان شهر نشین امروزی به کنش غایت‌مندانه معقول به جای گرایش به کنش‌های معطوف به ارزش یا سنت، بر همه ابعاد زندگی شهری انسان امروز به خوبی مشهود است. به گونه ای که می‌توان اقتدار این نظام عقلانی را بر نوع معماری و شکل فضاهای شهری به خوبی دید. امروزه بافت محلات به دنبال بی اهمیت شدن به طور کلی ارتباط خود را با ذهنیت انسان ساکن در آن از دست داده و او را با بحران هویت جدی مواجه ساخته است.

فردیناند تونیس

تونیس (۱۹۳۶) برای تبیین رابطه میان شهر - روستا یا به تعبیر وی اجتماع (گمینشافت) و (گزلشافت) بر تغییر روابط اجتماعی در این فرایند انگشت می‌گذارد. اجتماع (گمانیشافت) در دیدگاه تونیس بر روستا یا شکل زیستی و سازمان یافتگی پیش از شهر انطباق دارد که مهمترین مشخصات آن عبارتست از:

- ۱- وجود خانواده یا گروه خویشاوندی به مثابه واحد پایه‌ای سازمان اجتماعی.
- ۲- تبلور کنترل اجتماعی از خلال روابط خانوادگی یا همسایگی.

۳- انسجام اجتماعی بر پایه روابط اجتماعی که خود بصورت روابط شخصی، عاطفی و صمیمی تعریف می‌شوند.

بر عکس جامعه (گزلشافت) با شهر و شهر نشینی انطباق دارد و مهمترین مشخصات آن عبارتند از:

- ۱- ظهور اشکال جدید ساختاری در سازمان اقتصادی.
 - ۲- روابط اجتماعی مبتنی بر کارایی و عقلانیت و خالی شدن این روابط از روابط شخصی، عاطفی و صمیمی.
 - ۳- سطحی شدن کنش‌های متقابل اجتماعی.
 - ۴- وابستگی افراد به نهادها از خلال پیوندهای صوری.
 - ۵- کنترل اجتماعی افراد از خلال کمک‌های نهادی. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۷۵)
- بنابر نظر تونیس اجتماع محلی یا گمیشافت، که مشخص کننده پیوندهای نزدیک و صمیمانه و علایق شخصی و تعاملات اجتماعی بالاست به افراد سلامت، رفاه، امنیت، حس همکاری، حس تعلق و توجه به یکدیگر می‌دهد اجتماع محلی یا گمیشافت تونیس با ویژگی‌های تعریف شده از آن، تصویر کننده محلات سنتی در شهرهای قدیم ایران است که ایجاد کننده حس هویت‌مندی بالایی در میان ساکنان خود می‌شده است. اما جامعه گز لشفافت با ویژگی‌هایی همچون رقابت، دنبال کردن منافع شخصی، فرد گرایی و تخصص گرایی تبلور خصوصیت انسان در محلات بی قاعده و بی هویت شهرهای امروز است.

لویس ویرث

ویرث از دانشمندان مکتب شیکاگو، خصوصیات متمایز شیوه زندگی شهری را معمولاً به جایگزین شدن روابط ثانویه به جای روابط اولیه، ضعیف شدن قیود خویشاوندی، کم شدن اهمیت اجتماعی خانواده، از بین رفتن همسایگی و بالاخره به سست شدن انسجام و یگانگی زندگی سنتی اطلاق می‌کند (ویرث، ۱۳۵۴: ۵۷)

وی الگویی را برای شکل گیری شخصیت شهری معرفی می کند که شامل نکات زیر است:

- ۱- وجود روابط غیر شخصی، سطحی و پایدار.
- ۲- انزوای افراد به دلیل کمبود روابط شخصی.
- ۳- وجود فاصله اجتماعی.
- ۴- وجود گروه‌های ثانویه.
- ۵- تراکم و عدم تجانس و ناهمگنی.
- ۶- جدا سازی بر اساس طبقه، قومیت، نژاد، نوع خانه و غیره.
- ۷- تفاوت شدید شیوه‌های زندگی بنابر مجموعه‌های همجواری (همسایگی) و روابط و حوزه خصوصی و عمومی.
- ۸- افزایش شدید مبادلات اجتماعی که سطحی شدن و ناپایداری آنها را ایجاب می کند. (فکوهی، ۱۳۸۳: ۱۹۰)

بنابر نظر ویرث سه محور اصلی در جهت ساختن الگوی شخصیت شهری بر اساس ؛

- ۱- تعداد و جمعیت.
- ۲- تراکم جمعیت.
- ۳- ناهمگونی افراد و زندگی گروهی می باشد.

ریمون لودرو

لودرو از جمله اندیشمندان دیگری است که بحث (شخصیت شهر) را مطرح می کند. در شخصیت شهر لودرو نوعی تداوم تاریخی را می بیند که به خصوص در شهرها و محلات قدیمی نمایان است. قدیمی بودن به اعتقاد او نوعی (احساس امنیت) به شهروند می دهد که حاصل احساس تداوم در زمان است. این رابطه، رابطه‌ای عاطفی و تجربه‌ای شخصی است که برای شهروندان مختلف می تواند به شدت متفاوت باشد. بنابراین شهر رابطه ای همچون رابطه مادر و فرزند با شهروند خود ایجاد می کند که می تواند به عشق یا

تقرب منجر شود و این احساس‌ها می‌تواند خود را به شخصیت یافتن شهر، منتقل کنند، (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۵)

بر طبق اندیشه وی، قدمت تاریخی یک شهر یا یک محله در افراد ساکن در آن با خاطرات جمعی آن مکان پیوند زده و احساس هویت‌مندی بالاتری را در او القا می‌کند. این احساس هویت‌مندی همراه با حس تعلق خاطر و امنیت است.

جرج زیمل

به نظر زیمل در شهرهای بزرگ و مخصوصاً در کلانشهرها، جمعیت عظیم و مترکم شهر و فشار آن به زندگی انسان هویت فردی و آزادی او را به خطر می‌افکند و این امر موجب انزوا و از خود بیگانگی، انسان امروز می‌گردد. جرج زیمل معتقد است که در کلان شهرها گروه‌های وسیع و متعددی در حال فعالیت و کنش و واکنش هستند، لیکن هدف آنها سود جویی و انگیزه‌های فردی است. افراد عین بیگانگی، با خود و با یکدیگر به تعامل می‌پردازند به طوری که (گویی انبوهی از بیگانگان برای نفع شخصی مجبور به تعامل اجتماعی شده اند که این به نوبه خود بیگانگی را دامن می‌زند و با بزرگتر شدن جامعه بر وسعت آن افزوده می‌شود. فرد امکان می‌یابد که ویژگی‌های شخصیتی و منحصر بفرد خود را تعالی بخشد، اما آزادی او نیز در چنبر حرص و آز نظام عقلانی در شهرها روز به روز، محدود و محدود تر می‌گردد و حسابگر، غیر احساساتی، خشک و ماشینی می‌شود. لذا کلانشهر جایگاه پدید آمدن برخورد تناقض آلود آزادی و با خود بیگانگی انسان است. در نتیجه شهر نشین با مغز خود به محرکهای بی شمار زندگی شهری پاسخ می‌گوید.

با نگاه به نظر زیمل در می‌یابیم وی همه خصایص دنیای بزرگ امروز من الجمله نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را به فضای شهر نسبت داده و همه را در کلان شهرها خلاصه کرده است. زیمل نیز همچون وبر، به مساله فشار سلطه‌ی عقلانی بر ابعاد مختلف زندگی شهری در شهرهای امروز در نظریات خود می‌پردازد او اقتدار این نظام عقلانی را برابر با از خود بیگانگی انسان، سرگشتگی و بی هویتی او در شهر

می‌داند. انسان از خود بیگانه‌ی او فاقد آزادی‌های انسانی در چارچوب نظام عقلانی شهری است.

هیوج بارتن

بارتن هویت محله‌ای را در سه بعد مطرح می‌کند؛ فیزیکی، سیاسی، اجتماعی. هویت اجتماعی یک محله به وجود شبکه‌های اجتماعی و محیط‌های حمایتی در نظریه وی اشاره دارد، چرا که این شبکه‌ها در سلامت روانی انسان اهمیت بسزایی دارند وی نشان می‌دهد که هرچه تمرکز گروه در سطح هویت محله‌ای افزایش یابد، میزان بیماری‌های روانی آن گروه کاهش می‌یابد. همچنین به اعتقاد وی؛ هر چه یک محله از صفات طبیعی و جغرافیایی بهتری برخوردار باشد احساس تعلق بیشتری در ساکنان خود به وجود خواهد آورد. قدمت و سابقه تاریخی یک محله نیز در ایجاد حس غرور و افتخار آفرینی ساکنان موثر است. او عوامل اجتماعی - اقتصادی را نیز یکی از مهم‌ترین عوامل پیوند اهالی یک محله می‌داند (Barton, 2003: 71)

بطور کلی مفهوم اجتماع محلی بارتن را می‌توان در قالب چهار دسته اصلی زیر تقسیم نمود:

- الف - مفهوم اجتماعی پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ب - مفهوم حقوقی و اقتصادی
- ج - مفهوم جغرافیایی - مکانی
- د - مفهوم اکولوژیکی (هود سنی، ۱۳۸۴: ۱۸-۱۹)

کوپن لینچ

لینچ (۱۳۸۴) معیارهای هفت گانه‌ای را برای محیط زیست خوب شهری و محله‌ای

چنین ذکر می‌کند:

۱- قابلیت زیست

- ۲- قابلیت درک
- ۳- انطباق خوب فرم و عملکرد
- ۴- دسترسی مناسب
- ۵- قابلیت کنترل و مراقبت و نظارت
- ۶- کارایی
- ۷- عدالت

وی خصوصیات یک محله با هویت راه؛ خیابان‌های آرام و ایمن و خدمات روزانه که به راحتی و سهولت در دسترس قرار گیرد و همچنین ضرورت نظارت بر محله توسط تشکل‌های سیاسی ذکر می‌کند (لینچ، ۱۳۸۴: ۳۱۱) اساس تفکر لینچ از ایده تصور ذهنی آغاز می‌شود. لینچ اهمیت تصاویر ذهنی را در شناسایی و احساس آرامش شهروندان می‌داند. تاکید اصلی لینچ در پرداختن به عوامل کالبدی تاثیر گذار بر هویت شهری و محله‌ای است. او عوامل سازنده تصویر ذهنی شهر را برای داشتن درکی خوانا و روشن از محیط؛ راه، گره، لبه، نشانه و محله می‌داند. به عبارت دیگر شهروندان از طریق این ۵ عامل یک تصویر کلی از شهر به منظور جهت یابی، شناخت و افزایش حس تعلق به شهر در ذهن خود ایجاد می‌کنند. که تاثیر هر کدام از این عوامل بسته به ساختار ذهنی و شخصیتی افراد متفاوت می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کریستوفر الکساندر

الکساندر بعضی از معیارهای یک محله مسکونی خوب را بدین ترتیب بر می‌شمرد:

- ۱- مقیاس انسانی
- ۲- حفظ ایمنی و امنیت فرد
- ۳- عدم آلودگی صدا و اختلال آرامش درونی
- ۴- جدا بودن عرصه‌های مختلف در محله

۵- سازمان دادن عوامل شهری و سلسله مراتب شهری و ارتباط منطقی بین انسان و محیط زیست (هودسنی : ۱۳۸۴ : ۷۸)

جهانشاه پاکزاد

انسان بر مبنای ادراکی که از واقعیت‌ها یا پدیده‌های محیط دارد یک عینیت را برای خویش تعریف می‌کند در حالیکه براساس تجربیات فردی و جمعی خود از گذشته و حال دارای تصویر ذهنی از پدیده ای که با آن مواجه می‌شود نیز هست.

مراد از هویت یا این همانی به تعریف پاکزاد، انطباق عینیت مزبور با تصویر ذهنی آن و امتداد این انطباق در آینده است. هر فضا با آنکه یک موجود خارجی مستقل است ولی در فرآیند ادراک تبدیل به یک پدیده ی ذهنی می‌شود. مادر فرآیند این همانی از این تصویر ادراکی و ذهنیت خود بهره گرفته و عینیت را با آن می‌سنجیم، لذا تشخیص هویت در واقع نوعی ارزش گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته‌های ذهنی فرد از تجربیات مستقیم گرفته تا فرهنگ و سنت او دارد. اطمینان و تسلط ذهنی ناشی از این فرآیند باعث آسودگی خاطر و احساس تعلق می‌گردد. عادت منتج از تکرار عمل و استمرار در استفاده از یک فضا نیز می‌تواند موجب این همانی شود. فضاهایی که با عادات و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی همخوانی داشته باشد احساس تعلق و این همانی بیشتری را ایجاد می‌نمایند. ذهن انسان به دنبال انطباق و باز شناسی است فضا باید دارای پیام مشخص و مستقل بوده تا مخاطب خود را در تقابل نسبی با آن احساس کرده و برای شناخت فرم و محتوای آن تلاش کند وگرنه فضا بصورتی بی ارزش و تکراری جلوه خواهد نمود .

تشخیص هویت مکان در هر سلسله مراتبی می‌بایستی امکان پذیر باشد ؛ خانه، خیابان محله، شهر (پاکزاد : ۱۳۸۵ : ۱۴۹).

مصطفی بهزاد فر

بهزاد فر (۱۳۸۶) معتقد است؛ برای شناخت هویت یک شهر می‌باید مولفه‌های سازنده شخصیت آن شهر را شناخت. او مولفه‌های شخصیت یک شهر را همانند شخصیت انسانی دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی می‌داند که می‌توان از طریق سه محیط طبیعی، مصنوعی و انسانی از همدیگر تفکیک نمود.

مروارید قاسمی

قاسمی (۱۳۸۳) طی یک مصاحبه آزاد با تعدادی از شهروندان تصویر ذهنی آنها را برای داشتن یک محله مسکونی خوب با توقعاتی با عنوان درهم تنیدگی نفوذ پذیری و خوانایی ذکر می‌کند تا به جای بافت‌های کنونی حوزه‌هایی داشته باشیم که بتوان نام محله را بر آنها اطلاق نمود. وی برآورده شدن چنین توقعاتی را در سطح محله معادل برآورده شدن حس آسایش، امنیت، آرامش، خودمانی بودن دنجی و حس تعلق به مکان می‌داند.

جدول (۱) رابطه فرضیات متغیرها با چارچوب نظری پذیرفته شده

ملاحظات	نظریه منتخب	فرضیه
فرضیه اصلی	لینچ، بهزادفر، پاکزاد، قاسمی	تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی (محله‌ای)
فرضیه فرعی	لینچ	تاثیر خوانایی بر هویت اجتماعی (محله‌ای)
فرضیه فرعی	پاکزاد/ قاسمی	تاثیر نفوذ پذیری بر هویت اجتماعی (محله‌ای)
فرضیه فرعی	پاکزاد/ قاسمی	تاثیر در هم تنیدگی و هویت اجتماعی (محله‌ای)

جمع بندی و نتیجه گیری

آن گونه که در بالا نیز به وضوح مطرح گردید با دقت در مباحث نظری و اندیشه‌های صاحب نظران فوق‌الذکر خصوصا با پذیرش چشم اندازه‌های نظری در نزد لینچ، پاکزاد، بهزادفر، قاسمی، فرضیه اصلی پژوهش را مشتعل بر تاثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی

(محله‌ای) مطرح می‌نماییم. همچنین پژوهشگر در طرح فرضیه تاثیر خوانایی بافت محله بر احساس هویت اجتماعی (محله‌ای) از نظر لینچ سود جسته و در خصوص تاثیر درهم تنیدگی و نفوذ پذیری بر احساس هویت اجتماعی (محله‌ای) از نظرات قاسمی الهام گرفته است .

جدول (۲) مربوط به عملیاتی کردن متغیر هویت محله‌ای

منبع	شاخص	ابعاد هویت محله‌ای
قاسمی (۱۳۸۳) / بهزاد فر (۱۳۸۶) / دوران (۱۳۸۲) رفیع‌زاده (۱۳۸۰) / پاکزاد (۱۳۸۴) معمار (۱۳۸۷)	۱- تشویق به سکونت دراز مدت در محله ۲- حفظ و تقویت پاتوق‌ها و محل‌های گرد همایی ۳- دسترسی به تسهیلات و امکانات لازم در محله ۴- پاکیزگی و بهداشت محله ۵- نپرداختن معتمدین محله به حل و فصل مشکلات آن	حس تعلق به مکان
قاسمی (۱۳۸۳) معمار (۱۳۸۷) رفیع زاده (۱۳۸۰) هودسنی (۱۳۸۴)	۱- بستر رفتارهای مجرمانه در محله ۲- میزان نظارت ساکنان بر عرصه‌های عمومی ۳- افزایش شناخت متقابل ساکنان از یکدیگر	احساس امنیت
قاسمی (۱۳۸۳) معمار (۱۳۸۷) رفیع زاده (۱۳۸۰) معمار (۱۳۸۷)	۱- افزایش شناخت متقابل ساکنان از یکدیگر ۲- حفظ و تقویت پاتوق‌ها و محل‌های گرد همایی و فعالیت‌های جمعی در محله ۳- برقراری ارتباط ساکنین محله با فضاهای فرهنگی - مذهبی - تفریحی موجود در بافت محله ۴- وجود اتصالات قوی درون محله	تعاملات اجتماعی

روش تحقیق

جامعه آماری مورد مطالعه در تحقیق حاضر، تعداد کلیه واحدهای مسکونی واقع شده در هر یک از محلات عباس آباد و مرداوین واقع در شهر اصفهان است. با توجه به آنکه در پژوهش حاضر به طور خاص، تاثیر بافت محله یعنی کالبد محله بر مساله هویت اجتماعی با تاکید بر هویت محله‌ای در نظر بوده است، پس از بررسی‌های صورت گرفته توسط پژوهشگر، در میان محلات گوناگون در شهر اصفهان، و مشورت با اساتید مجرب در حوزه شهر سازی، تصمیم بر آن گرفته شد که محلاتی برای این پیمایش تطبیقی انتخاب گردد که بنا به ویژگی‌های موجود در این محلات، عوامل اقتصادی، اجتماعی تاثیر گذار بر متغیر هویت محله‌ای و حس تعلق ساکنان محله را تا حدود زیادی خنثی نموده و به طور اخص بر تاثیر کالبد محله بر ابعاد گوناگون هویت محله‌ای پرداخته شود. برای این مبنای دو محله مرداوین و عباس آباد که تا حدود زیادی به جهت شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی تاثیر گذار بر هویت محله‌ای به یکدیگر شبیه بوده اند در نهایت انتخاب گردید. تفاوت موجود در این دو نمونه موردی که از ویژگی‌های مثبت آن برای انجام پژوهش محسوب می شود وجود گذشته تاریخی و قدمت طولانی و بافت قدیمی محله عباس آباد نسبت به محله جدید مرداوین با شبکه شطرنجی و کالبد امروزی و البته مهاجر پذیر است. افراد مورد سنجش قرار گرفته جهت این پژوهش نیز کلیه افراد بالای ۲۰ سال در هر یک از این دو محله می باشد. نمونه گیری به روش تصادفی منظم می باشد که بر اساس بلوک‌های اصلی (major block) و خرده بلوک‌های (sub block) موجود در هر یک از این دو محله صورت گرفت با توجه به اینکه تعداد واحدهای مسکونی در بلوک اصلی و خرده بلوک‌ها در اختیار پژوهشگر قرار نگیرد بدین منظور با کمک پلان اصلی و نقشه‌های نظام ارتفاعی تهیه شده از هر یک از این محلات، تعداد بلوک محاسبه و تعداد ۱۳۰ پرسشنامه در هر یک از محلات به طور متناسب توزیع گردید ابزار گرد آوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است اعتبار و روایی پرسشنامه توسط اساتید محترم مورد تایید قرار گرفته است برای تهیه پرسشنامه پس از تعریف تئوریک مفاهیم، متغیر اصلی پژوهش، هویت محله‌ای با سه بعد حس تعلق

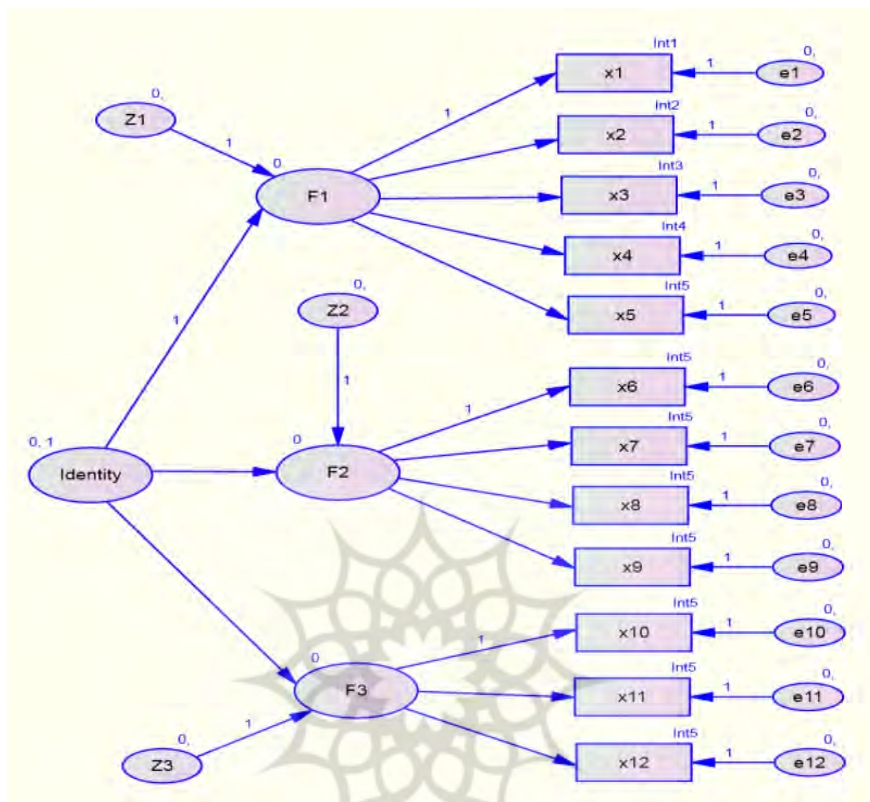
به مکان، تعاملات اجتماعی و احساس امنیت تعریف عملیاتی گردید. و در مجموع با استفاده از ۲۵ گویه پرسشنامه تحقیق گرد آوری شد. برای تأیید پایایی گویه‌ها، تعداد ۲۵ پرسشنامه در بین ۲۵ نفر از افراد جامعه آماری در هر یک از محلات توزیع گردید ضریب اسپیرمن بروان (s) و آلفای کرونباخ تعدادی از گویه‌های متغیر وابسته و متغیر مستقل به شرح زیر است:

جدول (۳): محاسبه ضریب قابلیت اعتماد برای ابعاد فرعی و هویت محله‌ای

مقدار ضریب	ضریب قابلیت اعتماد	تعداد آیتم	متغیر مورد سنجش
۰/۷۹	اسپیرمن بروان	۸	احساس امنیت
۰/۸۰	آلفای -کرونباخ	۴	میزان ارتباط نزدیکی با همسایگان (احساس امنیت)
۰/۸۰	اسپیرمن بروان	۹	حس تعلق به مکان
۰/۷۶	اسپیرمن بروان	۱۵	تعاملات اجتماعی

مدل عاملی مرتبه دوم

مدل عاملی مرتبه دوم را به عنوان نوعی از مدل تعریف می‌کنیم که در آن عامل‌های پنهانی که با استفاده از متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری می‌شوند خود تحت تاثیر یک متغیر زیربنایی تر و به عبارتی متغیر پنهان، اما در یک سطح بالاتر قرار دارند (قاسمی، ۱۳۸۹: ۲۰۸) در مدل پیش رو حس تعلق به مکان، تعاملات اجتماعی، احساس امنیت خود تحت تاثیر متغیر پنهان زیر بنایی تری به نام هویت محله ایست. در ضرایب استاندارد محاسبه شده متغیر هویت محله‌ای می‌توان دید که هر متغیر پنهانی به چه متغیر پنهان دیگر و یا متغیرهای آشکار مرتبط است. از این مدل جهت سنجش و اندازه‌گیری رابطه بین متغیرهای پنهان در متغیر هویت محله‌ای با متغیرهای آشکار استفاده شده است.



شکل	پارامتر آزاد NPAR	کای اسکوئر CMIN	درجه آزادی DF	P	کای اسکوئر درجه آزادی CMIN/DF	ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده RMSEA	حداقل مقدار مورد نظر LO90	حداکثر مقدار مورد نظر RMSEA HI90
مدل پژوهش	۵۸	۴۳۱/۸۸۲	۱۲۲	./۰۰	۳/۵۴۰	./۰۹۹	./۰۸۹	./۱۰۹

نسبت کای اسکوئر مدل به درجه آزادی (CMIN/DF=3/540) و همچنین ریشه دوم میانگین مربعات باقیمانده با ۰/۰۹۹ هر دو تایید کننده این نتیجه است که مدل عاملی مرتبه

دوم تدوین شده قابل قبول است هر چند ممکن است با برخی اصلاحات جزئی بتوان آنرا بهبودی بخشید.

جدول (۴): نتایج بدست آمده از مدل‌های اندازه‌گیری و مدل ساختاری

ضریب همبستگی	متغیر	ضریب همبستگی	متغیر
۰/۵۸۶	پاکیزگی و بهداشت محله → حس تعلق به مکان (F _۵) (Y _۷)	۰/۱۱۵	احساس امنیت → هویت محله ای (F _۲)
۰/۲۸۸	نپرداختن معتمدین محله به → حس تعلق به مکان حل و فصل مشکلات آن (F _۵) (Y _۸)	-۰/۰۵۶	افزایش شناخت متقابل ساکنان → احساس امنیت (F _۲) (Y _۳)
۰/۳۵۱	تعاملات اجتماعی → هویت محله ای (F _۶)	۰/۰۰۰	نظارت ساکنان بر عرصه‌های عمومی → احساس امنیت (F _۲) (Y _۲)
۰/۱۴۲	افزایش شناخت متقابل ساکنان → تعاملات اجتماعی (F _۶) (Y _۹)	۰/۹۴	بستر رفتارهای مجرمانه → احساس امنیت (F _۲) (F _۲)
۰/۱۰۷	برقراری ارتباطات با فضاها فرهنگی محله → تعاملات اجتماعی (Y _{۱۱})	۰/۱۸۲	حس تعلق به مکان → هویت محله‌ای (F _۵)
۰/۸۱۹	وجود اتصالات قوی درون محله → تعاملات اجتماعی (F _۶) (Y _{۱۲})	۰/۲۲۳	سکونت درازمدت در محله → حس تعلق به مکان (F _۵) (Y _۴)
_____	_____	۰/۰۶۲	حفظ و تقویت پاتوق‌ها → حسن تعلق به مکان (F _۵) (Y _۵)
_____	_____	-۰/۰۸۴	دسترسی به تسهیلات و امکانات لازم → حس تعلق به مکان (F _۵) (Y _۶)

چنانچه در شکل فوق مشاهده می‌شود، از میان سه شاخص تعریف کننده هویت محله‌ای، تعاملات اجتماعی با مقدار ۰/۳۵۱ بیشترین مقدار ضریب همبستگی را با این متغیر داراست. بستر رفتارهای مجرمانه با ضریب مثبت ۰/۹۴۰ نیز بیشترین مقدار همبستگی با احساس امنیت در محله (از شاخص‌های هویت محله) به خود اختصاص داده، همچنین پاکیزگی و بهداشت در محله با مقدار ۰/۵۸۶ بیشترین مقدار ضریب همبستگی را با متغیر حس تعلق به مکان از میان شاخص‌های تعریف کننده ی این متغیر داراست. وجود اتصالات قوی درون محله (شاخص تعریف کننده تعاملات اجتماعی) با مقدار ۰/۸۱۹ بیشترین مقدار در میان انواع شاخص‌های تعاملات اجتماعی را به خود اختصاص داده است.

بحث و نتیجه گیری

هدف از تحقیق حاضر تحلیل عوامل مقیاس هویت محله‌ای با استفاده از نرم افزار Amos بود. بر اساس نتایج بدست آمده، روش‌های آماری مورد استفاده در مشخص کردن و حذف آیت‌های نامناسب موفق بود. همچنین با توجه به ضرایب آلفای کرونباخ بدست آمده شاخص‌ها از همسانی درونی رضایت بخشی برخوردار است. بر پایه دیدگاه‌ها و چهارچوب‌های نظری مطرح شده در زمینه متغیر هویت محله‌ای، از میان ابعاد گوناگون، ۳ مولفه ی اصلی حس تعلق به مکان، تعاملات اجتماعی و احساس امنیت برای عملیاتی کردن مقیاس هویت محله‌ای شناسایی گردید.

پس از تنظیم پرسشنامه اولیه و ضمن انجام آزمون مقدماتی و مصاحبه با پاسخگویان، برای ساخت پرسشنامه نهایی با مشورت و صلاحدید اساتید حذف تعدادی از گویه‌های نامناسب در پرسشنامه صورت گرفت. سپس با استفاده از سنجش پایایی به بررسی گویه‌های مقدماتی پرداخته شد و پس از جرح و تعدیل گویه‌ها پرسشنامه نهایی استخراج گردید.

ضرایب اسپیرمن بروان و آلفای کرونباخ گویه‌ها همگی نشان‌دهنده‌ی آن بود که شاخص‌ها از همسانی درونی رضایت بخشی برخوردارند.

بر اساس نتایج گزارش شده از مدل‌های عاملی و شاخص‌برازش آنها، مقیاس هویت محله‌ای مقیاس قابل قبولی برای سنجش و اندازه‌گیری است.

رویکرد جامعه‌شناختی وبر (۱۹۲۰) نسبت به شهرنشینی بر محور اصلی عقلانیت یافتگی دیوانسالارانه به کار گرفته شده است. اقتدار این نوع نظام عقلانی بر نوع معماری و شکل فضاهای شهری به خوبی دیده می‌شود. امروزه بافت محلات به طور کلی ارتباط خود را با ذهن انسان شهرنشین از دست داده است در نتیجه عدم ارتباط و تعامل دو طرفه میان انسان و محیط بنا بر نظریه وبر منجر به کاهش حس تعلق به مکان زندگی در شهرهای امروزی است که یکی از ابعاد اصلی مقیاس هویت محله‌ای در پژوهش حاضر است.

نظریات ویرث نیز در زمینه‌ی جایگزین شدن روابط ثانویه در شهرهای امروزی و ضعیف شدن قیود خویشاوندی و از بین رفتن همسایگی، سست شدن انسجام و یگانگی زندگی سنتی و وجود روابط غیر شخصی - سطحی - انزوای افراد و وجود فاصله اجتماعی همگی موید اهمیت بعد دیگری از مقیاس هویت محله‌ای یعنی تعاملات اجتماعی است. نظریه شخصیت شهر لودر نیز نوعی تداوم تاریخی را مطرح می‌کند که خصوصاً در شهرها و محلات قدیمی نمایان است. قدیمی بودن به اعتقاد او نوعی احساس امنیت به شهروند می‌دهد که حاصل تداوم در زمان است. بنابراین نظریه لودر نیز موید بعد احساس امنیت در افزایش هویت محله‌ای است. همانطور که در بحث‌های صورت گرفته مشخص شد، به دلیل آنکه هویت محله‌ای برای اولین بار این چنین مورد مطالعه‌ی علمی قرار گرفته، کماکان باید با تحقیقات بیشتر بر مولفه‌های شناسایی شده، بررسی شود که کدام مولفه جنبه فراگیر و گسترده دارد.

منابع

- ۱- افروغ، عماد (۱۳۸۰)، هویت ایرانی، انتشارات بقعه، تهران
- ۲- بهزاد فر، مصطفی (۱۳۸۶)، نگاهی به هویت شهر تهران، نشر شهر، تهران.
- ۳- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، ج ۲، انتشارات شهیدی، تهران.
- ۴- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۵)، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، جلد (۱)، انتشارات شهیدی، تهران.
- ۵- پیران، پرویز (۱۳۸۴)، هویت شهرها (غوغای بسیار برای مفهومی پیچیده)، آبادی، سال پانزدهم، شماره ۴۸، ص ۷.
- ۶- دوران، بهزاد و محسنی، منوچهری (۱۳۸۲)، هویت، رویکردها و نظریه‌ها، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ویژه نامه هویت دانشگاه فردوسی مشهد، ج ۴، شماره ۱، ص ۸۸ تا ۱۱۱.
- ۷- رفیع زاده، ندا (۱۳۸۳)، بررسی میزان تعلق اجتماعی در گروه‌های سنی ساکن در محلات تهران، مرکز مطالعات فرهنگی شهر تهران، همایش توسعه پایدار شهری، ص ۱ تا ۱۵.
- ۸- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰)، دایره المعارف علوم اجتماعی، انتشارات کیوان، تهران.
- ۹- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳)، انسان شناسی شهری، نشر نی، تهران.
- ۱۰- قاسمی، وحید (۱۳۸۹)، مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد ایموس گرافیک، انتشارات جامعه شناسان، تهران.
- ۱۱- قاسمی اصفهانی، مروارید (۱۳۸۳)، اهل کجا هستیم؟ (هویت بخشی به بافت‌های مسکونی)، انتشارات روزنه، تهران.

- ۱۲- پاکزاد، جهان‌شاه (۱۳۸۵)، مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری، انتشارات شهیدی، کیانپور، نشر نی، تهران .
- ۱۳- گروه تحقیقات و مطالعات شهری و منطقه‌ای (۱۳۸۵)، مفهوم شهر ۲، انتشارات مطالعات شهری و منطقه‌ای، تهران.
- ۱۴- لینچ، کوین (۱۳۸۴)، تئوری شکل شهر، ترجمه سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۵- معمار، ثریا (۱۳۸۷)، بررسی نیازهای اجتماعی و فرهنگی محلات مناطق سیزده گانه شهر اصفهان، طرح پژوهشی مربوط به سازمان رفاهی، تفریحی شهرداری اصفهان.
- ۱۶- هودسنی، هادینه (۱۳۸۴)، بهبود ساختاری، فضایی محلات شهری در چارچوب توسعه محله‌ای پایدار، پایان نامه برای دریافت کارشناسی ارشد رشته شهر سازی دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۷- یوسفی، نریمان (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران
- 18- Barton ,Hugh (2003) , et al , Shaping Neighborhoods , New york , Spon press, pp:71.
- 19- Foth,Marcus (2004) , Desgning networks for sustainable neighbourhoods (Acase study of a student a par tment com plex) ,http : // eprints . qup . edu . ac /archive / foth . pdf . pp:8-9.
- 20- Neal, Peter. "Urban Village and the Making of Communities",Spon Press,London.2003
- 21- Louis,Saver & Arbour, Daneiel & Associates. "Joining old & new: Neighbourhood Planing and Architecture for city Revitalizatio", [online] <http://Lasur.epfl.ch,revue,S aver.pdf>. [1989]
- 22- Robert .Cowan."The Dictionary of Urbanism", Street wise Press, Britain. 2005
- 23- Walmsley.D.J (1990), Urban Living, Longman Scientific & Technical.pp:64
- 24- Barton ,Hugh (2003) , et al , Shaping Neighborhoods , New york , Spon press, pp:71.